

اهداف مشترک عاشورای حسینی و قیام مهدوی در روایات

حمزه ابراهیم پور^۱

دکتر محمد هادی قهاری^۲

دکتر سید رضا موسوی^۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۹/۷ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۱۷

چکیده

هدف این پژوهش، بیان اهداف مشترک عاشورای حسینی و قیام مهدوی در رهیافت روایی است. مقصود از رابطه عاشورا و مهدویت، پیوندی است که میان این دو عنصر اساسی در هدف وجود دارد، که با عنصر «غدیر» هویت مکتب امامت را می‌سازند. روش این تحقیق، توصیفی تحلیلی است، که با بهره‌گیری از روایات و ادعیه (دعای ندبه، زیارت عاشورا و زیارت ناحیه مقدسه) در صدد پاسخ به سؤال اصلی تحقیق است. قیام جهانی مهدی موعود عج، مکمل حرکت اصلاحی امام حسین علیه السلام است که دارای اهداف مشترکی از جمله: اصلاح جامعه، تحقق عدالت اجتماعی و مبارزه با طاغوت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، محو جاهلیت اموی و بدعت‌های مکتب خلافت، برپایی حکومت اسلامی، عدم بیعت با طاغوت، امر به معروف و نهی از منکر و انتقام از خون مطهر مظلوم کربلا علیه السلام و همه مستضعفان جهان. **واژگان کلیدی:** مهدویت، امام حسین علیه السلام، عاشورا، حدیث، رابطه عاشورا و مهدویت.

۱. دانش آموخته کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث. hamzeh1361@gmail.com

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان ghahari@uk.ac.ir

۳. گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی بافت. r3131393@gmail.com نویسنده مسؤول.

مقدمه

عاشورا و مهدویت، پیوندی عمیق با هم دارند. حضرت مهدی علیه السلام یگانه منتقم مظلومان عالم، منتظر است تا روزی به ندای «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي» امام حسین علیه السلام لبیک گوید و انتقام خون پاک سیدالشهداء علیه السلام و یاران باوفایش را از ستمگران عالم بگیرد. هدف امام حسین علیه السلام از مبارزه با مستکبران و طواغیت عصرش این بود تا دین اسلام را احیاء و مردم را از جهل فرهنگی و نادانی سیاسی نجات بخشد و عدالت اجتماعی را در جامعه اسلامی برقرار نماید. حضرت مهدی علیه السلام نیز با ستمگران، مشرکان و مستکبران جهان مبارزه خواهد کرد تا احکام الهی و سنت جدش رسول الله صلی الله علیه و آله را احیاء و زمینه را برای تحقق عدالت اجتماعی در سرتاسر گیتی به معنای واقعی کلمه فراهم نماید.

«عاشورا»، روز مظلومیت امام حسین علیه السلام و اصحاب وفادار اوست، و «مهدویت»، یادآور غربت امام مهدی علیه السلام در عصر غیبت است. تنهایی آن دو امام همام علیه السلام و شباهت یاران و مبارزه با طاغوت های عصرشان...، برخی از نشانه های پیوند عاشورا و انتظار است. محبت آن دو امام علیه السلام نسبت به یکدیگر، مسأله انتقام از خون سیدالشهداء علیه السلام، تأکید بر خواندن زیارت عاشورا توسط حضرت مهدی علیه السلام یا گریستن آن حضرت علیه السلام برای جدّ غریبش که در زیارت ناحیه مقدسه آمده...، نمونه هایی از همبستگی «عاشورا» و «مهدویت» است. هدف این پژوهش، هدف شناسی عاشورا و مهدویت از منظر حدیث است، و در صدد است تا به این پرسش پاسخ دهد که: اهداف مشترک قیام حسینی علیه السلام و نهضت مهدوی علیه السلام چیست؟ روش این تحقیق، توصیفی - تحلیلی است، و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه ای است.

۱. مفاهیم تحقیق

الف) مهدویت

«مَهْدِيّ»، اسم مفعول و به معنای «هدایت شده» است. مهدویّت نیز از همین ریشه است، البته گاهی در معنای فاعلی به معنای «هدایت کننده» نیز به کار می رود (تونه ای،



۱۳۸۳: ۴۱۶). مهدی علیه السلام مشهورترین لقب آن حضرت نزد شیعه و سنی است. «مهدوی»، صفت نسبی است یا منسوب به مهدی است مطلقاً، یا منسوب به «مهدی» صاحب الزمان علیه السلام امام دوازدهم شیعیان است (معین، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۸۶۳). «مهدویت»، از لحاظ لغوی، مصدر جعلی است که پس از افزودن تاء تأنیث به اسمی که یای نسبت به آن اضافه شده است ساخته می‌شود. بنابراین «مهدویت»، به معنای مهدی بودن، هدایت شده و رهیافته بودن است (سلیمانیان، ۱۳۸۸: ۲۸۲). از امام صادق علیه السلام روایت شده است که می‌فرماید:

این که امام عصر علیه السلام را مهدی می‌خوانند، به خاطر این که به چیز گمشده‌ای راهنمایی می‌کند و او را قائم می‌نامند برای آن است که بحق قیام می‌فرماید. (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۵۸)

«مهدویت» به مسائل و موضوعاتی که با حضرت مهدی علیه السلام مرتبط است گفته می‌شود: از جمله غیبت، ظهور، تولد، علائم ظهور، حکومت و اتفاقاتی که پیرامون ظهور حضرتش به وقوع خواهد پیوست؛ و یا به معنای اعتقاد به وجود منجی موعود علیه السلام که فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است و در سال ۲۵۵ هجری قمری متولد شده است که یکی از القاب اوقائم می‌باشد. مقصود ما از مهدویت، گزارش‌هایی است که در احادیث و ادعیه درباره حضرت مهدی علیه السلام بیان شده است.

ب) عاشورا

عاشورا، نماد قیام امام حسین علیه السلام و یارانش در مقابل طاغوت‌های زمانه در کربلا است. مراد ما از عاشورا، حیات فکری و سیاسی امام حسین علیه السلام، بویژه در مبارزه با جریان کفر و نفاق است.

ج) رابطه عاشورا و مهدویت

مقصود از رابطه عاشورا و مهدویت، پیوندی است که بیانگر رابطه عمیق حضرت مهدی علیه السلام با امام حسین علیه السلام است، که در احادیث، دعای ندبه، زیارت عاشورا و زیارت ناحیه مقدسه به این رابطه ناگستنی اشاره شده است.

۲. اهداف مشترک عاشورا و مهدویت

قیام جهانی مهدی موعود علیه السلام، مکمل حرکت اصلاحی امام حسین علیه السلام در نهضت عاشورا است. در اینجا به برخی از اهداف مشترک عاشورا و قیام مهدی موعود علیه السلام اشاره می‌گردد:

الف) مبارزه با جاهلیت

هنگام بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در دنیا و سرزمین حجاز، جاهلیت حاکم بود و مردمان آن روز، به جنایاتی از جمله زنده به گور کردن دختران، زنا، شراب خواری، قتل عام همدیگر، غارت اموال دیگران و بت پرستی آلوده بودند.

امیرالمومنین علیه السلام درباره آن دوره فرمود:

شما ای جماعت عرب، بدترین آیین را داشتید و درید آب و هوای منطقه زندگی می‌کردید. در میان سنگلاخ‌های خشن و مارهای سمی به سر می‌بردید و آب گندیده می‌نوشیدید و غذاهای نامطلوب می‌خوردید. خون همدیگر را می‌ریختید و با ارحام قطع رابطه می‌کردید و درهمه حال، به بت پرستی و گناه مشغول بودید. (سید رضی، ۱۳۷۸: ۲۶)

اما پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، توانست در اندک زمان، آن چنان تحولی در سطح فرد و جامعه آن روز ایجاد نماید که پس از مدتی، جامعه‌ای کاملاً متفاوت با آن چه پیش از آن بوده است، پدید آورد، اما بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، در جامعه اسلامی به تدریج در دوران حاکمیت مکتب خلافت و بنی امیه، فرهنگ جاهلی دوباره احیاء شد و مردمان از زیست مؤمنانه خارج و بسوی شهوات و امیال نفسانی گرایش پیدا کردند. از این رو، مفسد اخلاقی از جمله باده‌گساری، رقاصی و آوازه‌خوانی... در جامعه رونق گرفت و از نظر اقتصادی، جامعه، به دودسته فقر و غناء تقسیم شدند. سیدالشهداء علیه السلام در این شرایط، چاره‌ای جز قیام و مبارزه علنی بر علیه یزید نداشت تا مردم را از این جهل‌کشنده نجات بخشد و به سوی حق راهنمایی نماید. در زیارت اربعین از قول امام صادق علیه السلام در توصیف ابا عبدالله الحسین علیه السلام آمده است:

خدایا! سیدالشهدا (علیه السلام)، در راه تو خون دل‌ها خورد تا بندگانت را از نادانی و سردرگمی و گمراهی رهایی بخشد. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۱۱۳؛ ر.ک: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۴۵)

امام حسین (علیه السلام) به سپاه حرّ بن یزید ریاحی فرمود:

أَلَا وَإِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ، وَتَرَكُوا طَاعَةَ الرَّحْمَنِ، وَظَهَرُوا الْفُسَادَ، وَ عَظَلُوا الْحُدُودَ، وَاسْتَأْثَرُوا بِالْفِئَاءِ، وَأَحْلَوْا حَرَامَ اللَّهِ، وَحَرَمُوا حَلَالَ اللَّهِ، وَأَنَا أَحَقُّ مِنْ غَيْرِي؛ (ابومخنف کوفی، ۱۴۱۷: ۱۷۲؛ ر.ک: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۴۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۷۹)

آگاه باشید که این‌ها به پیروی از شیطان تن داده‌اند و اطاعت از خدای رحمان را رها کرده‌اند، آشکارا فساد می‌کنند و به حدود الهی عمل نمی‌نمایند، بخشی از بیت‌المال مسلمین را به خود اختصاص داده‌اند و حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام کردند و من برای تغییر این وضعیت سزاوارترم.

اما جاهلیت آخرالزمان، سخت‌تر و شدیدتر از جاهلیت نخستین خواهد بود (احزاب/ ۳۳). امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید:

همانا قائم ما با جاهلان بسیار سرسخت‌تری نسبت به جاهلانی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در دوران جاهلیت با آن‌ها مواجهه بود، روبرو می‌شود و متحمل رنج و سختی بیشتری خواهد شد. علت این جاهلیت این است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) زمانی برانگیخته شد که مردم سنگ، صخره و مجسمه‌های چوبی را می‌پرستیدند، اما امام مهدی (علیه السلام) هنگامی قیام می‌کند که همه مردم برای مقابله با او به تأویل کتاب خدا و احتجاج به آن متوسل می‌شوند. (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ۲۹۷)

در اینجا به برخی از مصادیق جهل در عصر غیبت (قبل از ظهور) اشاره می‌گردد:
۱. نشناختن امام زمان (علیه السلام) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید:

مَنْ مَاتَ وَلَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۲۱)

هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.

عدم معرفت نسبت به امام زمان (علیه السلام)، یکی از اساسی‌ترین مصادیق جهل است، زیرا

کسی که اهداف بعثت انبیاء و ضرورت وجود امامت را نداند، قطعاً نسبت به حق آنان جفا خواهد نمود، و درگمراهی فکری و رفتاری (انجام رفتارهای غیرعقلانی و انسانی) خواهد زیست و در حال کفر و نفاق (مرگ جاهلیت) خواهد مرد.

۲. بی‌اطلاعی از کتاب خدا: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره مردم آخرالزمان فرمود:

فَعِنْدَهَا يَكُونُ أَقْوَامٌ يَتَعَلَّمُونَ الْقُرْآنَ لِغَيْرِ اللَّهِ وَيَتَّخِذُونَهُ مَزَامِيرَ؛ (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۰۶)

در آن زمان، گروه‌هایی قرآن را برای غیر خدا یاد می‌گیرند و قرآن را وسیله‌ای برای آهنگ انتخاب می‌کنند.

یعنی از نور قرآن هدایت نمی‌جویند و به دستوراتش که برای هدایت و سعادت بشر نازل شده است عمل نمی‌کنند.

۳. جابجایی معروف و منکر: «معروف جای منکر و منکر جای معروف را خواهد گرفت» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۰۶). در آخرالزمان دروغ‌گفتن، رشوه‌گرفتن، بی‌حجابی و عمل منافی عفت... امری عادی می‌شود و اگر کسی بخواهد امر به معروف نماید، به شدت با او رفتار می‌شود، گویا منکر به معروف تبدیل شده است. همچنین ارزش‌های دینی به ضد ارزش تبدیل می‌شوند، مثلاً افراد راستگو و امانت‌دار در بین مردم بی‌ارزش شده، ولی افراد دروغگو و فریبکار محترم می‌شوند.

۴. توجه به تمایلات نفسانی (هواپرستی): امیرالمومنین علیه السلام درباره عصر ظهور امام مهدی علیه السلام فرمود:

يُظْهِرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمَنِ نِسْوَةٌ كَأَشْفَاتِ عَارِيَاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ دَاخِلَاتٍ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتٍ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتٍ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَحَلَّاتٍ لِلْمُحَرَّمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ؛ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳: ۳۹۰)

در آخرالزمان و نزدیک شدن رستاخیز که بدترین زمان‌ها است، زنان بدون پوشش و برهنه‌اند، و زینت‌های خود را آشکار می‌سازند، به فتنه‌ها داخل می‌شوند و به سوی خواسته‌های نفسانی و شهوانی می‌گرایند. به لذت‌ها می‌شتابند، حرام‌های الهی را حلال می‌شمارند، اینان در جهنم جاودانه خواهند بود.

حضرت حجت علیه السلام با همه این نادانی‌ها، انحرافات فکری، نژادپرستی، فساد اخلاقی و استبداد... مبارزه خواهد فرمود.

ب) برپایی حکومت اسلامی

یکی از اهداف قیام سیدالشهداء علیه السلام، تشکیل حکومت اسلامی و احیای ارزش‌های اسلامی بود، لذا در صورت پیروزی، حکومت اسلامی با رهبری امام حسین علیه السلام تأسیس می‌شد تا در سایه آن بتواند اهداف اسلام (انسان‌سازی و جامعه‌پردازی) را تحقق بخشد. ابی عبدالله علیه السلام فرمودند:

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: خلافت بر خاندان ابوسفیان حرام است و اگر روزی معاویه را در بالای منبر من دیدید او را بکشید، ولی مردم مدینه او را بر منبر پیامبر دیدند و نکشتند و اینک خداوند آنان را به یزید فاسق (و بدتر از معاویه) گرفتار نموده است. (ابن‌نماحلی، ۱۴۰۶: ۱۰۰)

بدون برپاسازی حکومت، نمی‌توان از احیای معارف و احکام الهی و تحقق عدالت در جامعه سخن گفت. امام حسین علیه السلام خود را شایسته منصب حکومت می‌دانست و هنگامی که فرماندار مدینه برای بیعت با او آمد، فرمود:

کدام یک از ما شایستگی خلافت و بیعت داریم؟ (ابومخنف کوفی، ۱۴۱۷: ۸۱)

این موضوع نشان دهنده شایستگی امام معصوم علیه السلام برای تشکیل حکومت اسلامی است. در جایی دیگر فرمود:

ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به ولایت و رهبری مردم سزوارتر از این‌ها (بنی‌امیه) هستیم، که به ناحق مدعی این مقام بوده و همیشه راه ظلم و فساد و دشمنی با خدا را در پیش گرفته‌اند. (ابومخنف کوفی، ۱۴۱۷: ۱۷۰)

امام خمینی رحمته الله علیه در تبیین همین هدف می‌فرماید:

آن‌هایی که خیال می‌کنند حضرت سید الشهداء، برای حکومت نیامد. خیر [این سخن صحیح نیست]، این‌ها برای حکومت آمدند، برای این‌که باید حکومت در دست مثل سیدالشهداء باشد؛ [و] مثل کسانی که

شیعه سیدالشهداء هستند. (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۳۰)

اما این واقعیت را سید الشهداء علیه السلام دریافته بود که اکنون، زمان حاکمیت امام معصوم علیه السلام نیست، چرا که جامعه، آن قدر از سنن نبوی صلی الله علیه و آله و سلم و فرهنگ قرآنی فاصله گرفته، که از اسلام فقط نام و از قرآن فقط رسم آن مانده بود.

هدف از تشکیل حکومت مهدوی در آخر الزمان، تحقق آرمان همه انبیاء و هدف نهضت عاشورا است که در آن عدالت برپا گردد، بساط ستم برچیده شود و صالحان، فرمانروایان مردم باشند:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ... وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ﴾؛ (نور/ ۵۵)

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد... و آن دینی را که برای شان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیم شان را به ایمنی مبدل گرداند.

در کتاب «الغیبه» نعمانی آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

این آیه در خصوص حضرت قائم علیه السلام و اصحابش نازل شده است. (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ۲۴۰)

یعنی خداوند وعده داده است که حکومت جهانی از آن حضرت مهدی علیه السلام و اصحابش باشد تا بتواند با تشکیل حکومت، امنیت و آسایش را به تمام مردم دنیا بازگرداند. حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام زمانی شکل می گیرد که تمام جهان آمادگی پذیرش و برپایی حکومت حق الهی را داشته باشند، حکومتی که بر مبنای توحید در سراسر جهان فراهم شود و سبب نابودی کفر و شرک و نفاق در سراسر گیتی شود. در حکومت جهانی مهدوی، یکتاپرستی در تمام عالم فراگیر و ظلم و بی عدالتی از چهره جهان برچیده می شود.

حکومت و رهبری جامعه از آن پیامبران و اولیای الهی است نه افراد ظالمی چون



معاویه و یزید که خود را متصدی امر خلافت بر مردم می دانستند، در حالی که حکومت، مخصوص فرستادگان الهی و افراد صالح است و طاغوت‌ها و حاکمان جور، لیاقت و شایستگی حکومت بر جامعه اسلامی را ندارند:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء / ۱۰۵)
در زبور (حضرت داود پیامبر) بعد از کتب آسمانی سابق نوشتیم که زمین را بندگان صالح ما به ارث می‌برند.

در کتاب «کشف الغمه» در ذیل آیه فوق به نقل از رسول الله ﷺ آمده است که فرمود:
زمانی که روز ظهور قائم ما برسد، خداوند متعال مردی از اهل بیت من که اسم او همانم من است، برمی‌گزیند، تا زمین را از عدل و داد پر سازد، همچنان که از ظلم و جور پر شده است. (اربلی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۳۳۶)

در سوره فتح می‌خوانیم:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾ (فتح / ۲۸)

اوست آن که پیامبرش را به هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب سازد و این گواهی خدا کفایت می‌کند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

او امامی است که اسلام را بر همه ادیان پیروزمی‌گرداند و زمین را پر از عدل و داد می‌کند، چنان که پر از ظلم و ستم شده باشد. (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۱۷، ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۳۱؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۴۸۱)

ج) امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، یکی از مهم‌ترین، سازنده‌ترین و حیاتی‌ترین ارزش‌های اسلامی است، که نقش بی‌بدیلی در سالم‌سازی فرد و جامعه را دارد. از نگاه امیرمؤمنان علی علیه السلام «تمامی اعمال و کارها حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر مانند قطره‌ای در مقابل یک دریای بزرگ و پهناور است» (سید

رضی، ۱۴۱۴: ۵۴۲)، که اگر این فریضه فراموش شود، باید منتظر گسترش بسیاری از ناهنجاری‌ها و فسادها در مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بود، و ناامنی به یک معضل بزرگ در جامعه تبدیل می‌گردد. خداوند کریم در سوره هود می‌فرماید:

پس چرا از نسل‌های پیش از شما خردمندانی نبودند که [مردم را] از فساد در زمین بازدارند؟ جز آنکه، از کسانی که از میان آنان نجات‌شان دادیم. (هود/ ۱۱۶)

خداوند امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه همه انبیاء و ائمه دانسته است، و در سوره نحل می‌فرماید:

و همانا در هر امتی پیامبری فرستادیم که اعلام کند خدا را بپرستید و از پرستش طاغوت پرهیزید. (نحل/ ۳۶)

یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری نهضت عاشورا، امر به معروف و نهی از منکر بود. امام حسین علیه السلام مکرر به این موضوع اشاره می‌فرمود، تا به جامعه خفته بفهماند که علت این همه فسادها، ترک امر به معروف و نهی از منکر است که شما را دامن‌گیر فساد سیاسی (یزید) و فساد اقتصادی و فرهنگی کرده است. وقتی کاروان امام حسین علیه السلام به منزلگاه «ذی حسم» رسید، امام علیه السلام بپاخواست و فرمود:

آیا نمی‌بینید که مردم در زندگی ننگین و ذلت‌باری به سرمی‌برند که نه به حق عمل می‌کنند و نه از باطل روی‌گردان می‌شوند. شایسته است که در چنین محیط ننگینی، شخص باایمان، جانبازی کند و به دیدار پروردگارش بشتابد. من در چنین محیط ذلت‌باری، مرگ را جز رستگاری و زندگی با ستمکاران را جز رنج و نکبت نمی‌دانم. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۴۵)

اگر در جامعه‌ای این دو فریضه الهی فراموش گردد، پایه‌های شریعت از هم می‌گسلد. امیرالمومنین علی علیه السلام می‌فرماید: «قوام شریعت بر پایه امر به معروف و نهی از منکر و اقامه حدود الهی استوار شده است» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۳۷۰). امام حسین علیه السلام فرمود:

من تنها به انگیزه اصلاح امت جدم بپا خواستم، می‌خواهم امر به معروف و نهی

از منکر نمایم و به روش جدم و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام رفتار نمایم. (ابن نما حلی، ۱۴۰۶: ۲۸)

هدف امام حسین علیه السلام از امر به معروف و نهی از منکر، نجات امت از نگون ساری و اسارت نفس بود. امام علیه السلام هنگامی که قصد داشت مدینه را به سوی مکه ترک نماید، در کنار قبر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

خدایا من دوست دار معروف هستم و از منکر بیزارم. (ابن نما حلی، ۱۴۰۶: ۲۸)

هدف سید الشهداء علیه السلام از امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح جامعه اسلامی و احیای سنت نبوی بود. حضرت در نامه ای خطاب به بزرگان بصره می نویسد:

من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دعوت می کنم، زیرا سنت پیامبر خدا از بین رفته است. اگر دعوت مرا بپذیرید و امر مرا اطاعت کنید شما را به راه هدایت راهنمایی می کنم. (ابن نما حلی، ۱۴۰۶: ۱۱۲)

در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام، فریضه امر به معروف و نهی از منکر برای احیای ارزش ها و هست پذیری عدالت اجتماعی نقش بسزایی دارد. از امام باقر علیه السلام درباره آیه «الَّذِينَ إِِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» (حج / ۴۱) سؤال شد، ایشان فرمود:

این آیه درباره حضرت مهدی علیه السلام و اصحابش وارد شده است. خداوند ایشان را مالک مشرق و مغرب زمین می گرداند و دین خود را ظاهر می سازد و به سبب او و اصحابش بدعت ها را می میراند، چنانکه سفهاء، حق را میرانده اند، تا این که در روی زمین اثری از ظلم دیده نشود، مهدی علیه السلام و اصحابش امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و عاقبت امور برای خدا است. (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲: ص ۸۷)

د) عدالت اجتماعی

یکی از اهداف قیام امام حسین علیه السلام، همانند آرمان انبیای الهی، هست پذیری عدالت بود (حدید / ۲۵). ایشان در نامه ای که به مردم کوفه می نویسد، یکی از اهدافش را جلوگیری از ستم و اجرای عدالت بیان می کند و می فرماید:

ای مردم! رسول خدا ﷺ فرمود: «هرکس سلطان ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال شمرده و عهد خدا را می شکند، خلاف سنت رسول خدا ﷺ رفتار می کند و در میان بندگان خدا به گناه و ستم عمل می کند، ولی او (شخص مسلمان) سکوت اختیار کند و نه از راه کردار و نه از راه گفتار، سلطان ستمگر را سرزنش نکند و در مقام انکار و عیب گویی بر نیاید، بر خداوند است که مسلمان (ساکت) را به کیفر و سزای همان ستمگر (آتش جهنم) محکوم کند». (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۵۰۵)

همچنین به مردم بصره می نویسد:

به جان خودم سوگند که امام راستین و پیشوای واقعی جامعه اسلامی تنها کسی است که به مقررات عادلانه و انسان ساز کتاب خدا عمل نماید، دادگری و قسط را در کران تا کران جامعه تحقق بخشد و عدالت را پیشه سازد، پیرو واقعی حق باشد و بر اساس حق و در قلمرو قانون، امور و شؤون جامعه را اداره نماید، خویشترن را از لغزشها نگاه دارد و برای تحقق اهداف خدا پسندانه تلاش کند، نه این که همه چیز را ابزار سلطه و رسیدن به هواهای خویش سازد. (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۹؛ ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۸۸)

در زمان غیبت حجت بن الحسن علیه السلام، بی عدالتی های قضایی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه بروز می نمایند که هدف امام علیه السلام مبارزه با این نوع بی عدالتی ها است. امام رضا علیه السلام می فرماید:

هنگامی که قائم ما قیام نماید زمین به واسطه نورایشان روشن می شود، ترازوی عدالت را در میان همه مردم قرار می دهد و در سرتاسر جهان هیچ انسانی به دیگری ستم نخواهد کرد. (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۲۷۳)

از امام سجاد علیه السلام روایت شده است که می فرماید:

هنگامی که قائم ما اهل بیت علیهم السلام خروج نماید در میان همه بندگان خدا عدالت را پیاده می نماید و به عدل رفتار می نماید و عدالت او در بین افراد فاسق و فاجر یکسان اجرا می شود. (ابن حیون، ۱۴۰۹: ۳۹۷؛ کلینی، ۱۳۸۱: ۳۱۳)

امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند:

إِذَا قَامَ قَائِمًا فَإِنَّهُ يَفْسِمُ بِالسَّوِيَّةِ وَيَعْدُلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرِ الْحَدِيثِ؛
(ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج: ۱، ۱۶۱؛ ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ج: ۵۱: ۳۰)

امام قائم علیه السلام هنگامی که ظهور نمایند اموال را به طور مساوی تقسیم می نمایند و میان همه مردم نیکوکار و بدکار به عدالت رفتار می نماید.

یکی از ستم های رایج در عصر غیبت امام مهدی علیه السلام بر مردم، این است که بیت المال به عدالت میان مردم تقسیم نمی شود، اما در عصر زندگی و ظهور حجت حق علیه السلام، این ظلم فاحش ریشه کن خواهد شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

شما را به ظهور مهدی علیه السلام بشارت می دهم، او زمین را پراز عدل می کند، همان گونه که از جور و ستم پر شده است. ساکنان آسمان ها و ساکنان زمین، از او راضی می شوند و اموال و ثروت ها را بطور صحیح تقسیم می کند. کسی پرسید؟ معنی تقسیم صحیح ثروت چیست؟ فرمود: به مساوات در میان مردم تقسیم می گردد. سپس فرمود: دل های پیروان محمد صلی الله علیه و آله را پراز بی نیازی می کند و عدالتش، همه را فرا می گیرد، تا آن جا که دستور می دهد کسی با صدای بلند صدا زند: «هر کس نیاز مالی دارد، برخیزد». هیچ کس جز یک نفر بر نمی خیزد.
(ابن طاووس، ۱۳۷۴: ۳۵۱؛ ر.ک: حائری، ۱۳۸۳: ۲۲۹؛ ر.ک: ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ۲۳۷)

در دعا می خوانیم:

اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ بِلَادَكَ حَتَّى تُنْبِرَ بِعَدْلِهِ ظُلَمَ الْجُورِ... وَتُوضِحَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَجَهْلَ الْوَجْهِلِ؛
(طوسی، ۱۴۱۱، ج: ۱: ۴۰۹)

خداوندا، سرزمین ها را به دست مهدی علیه السلام پاک گردان... تا با فروغ عدالت او سیاهی های ستم زوال پذیرد، و پایگاه های حق آشکار گردد، و عدل ناشناخته شناخته گردد.

امام خمینی علیه السلام در این زمینه می فرمایند:

زندگی سید الشهداء، زندگی حضرت صاحب الزمان (سلام الله علیه)، زندگی همه انبیاء از اول تا خاتم، همه آن ها به این معنا بوده است که در مقابل حکومت

جور، حکومت عدل را خواستند درست کنند. (خمینی، ج ۲: ۴۰)

لذا لازمه همه حکومت‌های الهی، عدالت است و حکومت بدون عدالت، قطعاً الهی و اسلامی نیست.

ه) اصلاح جامعه (جامعه‌پردازی)

اصلاح جامعه و هدایت امت بسوی رهنمودهای الهی، یکی از اهداف هادیان راستین و اولیای الهی است. کلمه «اصلاح» واژه‌های مرتبط آن، دوازده مرتبه در سوره‌های بقره، هود، قصص، اعراف، نساء، انعام، نور و شورا تکرار شده‌اند:

﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (اعراف / ۵۶)

در زمین، پس از اصلاح آن فساد نکنید، و او را با بیم و امید بخوانید و نیکی کنید، زیرا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.

امام محمد باقر علیه السلام در ذیل آیه فوق می‌فرماید:

زمین فاسد بود و خداوند بوسیله پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آن را اصلاح نمود. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۵۸)

حضرت شعیب به قومش فرمود:

﴿إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ﴾ (هود / ۸۸)

تا جایی که قدرت دارم جز اصلاح [شما را] نمی‌خواهم و توفیقم فقط به [یاری] خداست.

در این آیه حضرت شعیب به قومش که او را متهم به سودجویی و ثروت‌اندوزی کرده بودند می‌فرماید: «من یک هدف بیشتر ندارم و آن اصلاح شما و جامعه است».

امام حسین علیه السلام در وصیت‌نامه خود به محمد حنفیه، هدف خود را اصلاح امت جدش رسول الله صلی الله علیه و آله و امر به معروف و نهی از منکر معرفی فرمود:

إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ



جَدَى، أُرِيدُ أَنْ أُمْرِبَ الْمَعْرُوفَ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ...؛ (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۸۹)

قیام من قیام فردی کامجویا آشوبگرو یا ستمگر نیست. من برای اصلاح امت جدم به پا خواسته‌ام، قصدم امر به معروف و نهی از منکر است و به سیره جدم و پدرم رفتار می‌نمایم.

امام حسین علیه السلام در سرزمین منی فرمود:

خدایا! تومی دانی که آن چه از ما سرزد، برای رقابت در فرمانروایی و نیز دسترسی به مال بی ارزش دنیا نبود، بلکه از آن روست که نشانه‌های آیین تورا آشکار سازم و امور مردم را سروسامان بخشم، تا بندگان ستمدیده تو آسوده گردند و به فریض و سنن و احکام تو عمل کنند. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۳۹)

یکی از اقدامات بنیادینی که امام حسین علیه السلام قصد انجام آن را داشت، اصلاح افکار و اندیشه‌های باطل و خرافاتی بود که از دوران معاویه در جامعه رواج داشت، و این امر جز با شهادت او و یارانش ممکن نبود.

هدف امام عصر علیه السلام نیز هدایت مردم بسوی حق تعالی و اصلاح جامعه‌ای است که دچار معضلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شده است. در سوره انبیاء می‌خوانیم:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ (انبیاء / ۱۰۵)
ما در زبور، پس از تورات نوشتیم که این زمین را بندگان صالح من به میراث خواهند برد.

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

ایشان اصحاب حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان هستند. (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۴)

۱۰۵ اینان همان بندگان صالح خدا و یاران مهدی علیه السلام هستند که وارثان زمین خواهند شد. بنابراین، پیام امام حسین علیه السلام و مهدی موعود علیه السلام به جهان، پیام مساوات و برابری است، همان هدفی که به خاطر آن انبیای الهی در طول قرن‌ها رنج‌ها را به جان خریدند، تا

امور مردم را اصلاح و سامان بخشند، اما طاغوت‌ها مانع تحقق آن شدند؛ از این رو، امام مهدی علیه السلام زمانی ظهور خواهد کرد که بتواند جهان را از نظر اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی متحول سازد، و جامعه انسانی را از تبعیض‌ها، بی‌عدالتی‌ها و بدعت‌ها پاک و حکومت جهانی را در زمین برپا نماید. بنابراین، هدف نهضت عاشورا، تربیت انسان و اصلاح جامعه بود، که ناتمام ماند، اما خداوند اراده فرمود تا این آرمان مقدس از سوی حضرت مهدی علیه السلام محقق شود و زمانی که زمین پرازستم گردد و بدعت‌ها زنده و حاکمان یاغی دست به فساد زده‌اند، مصلحی خواهد آمد و جامعه را اصلاح و حکومت عدل الهی را در زمین برپا می‌نماید.

و) ستیز با بدعت‌ها

بدعت در لغت، به معنای «چیز نوپیدا و بی سابقه، آیین نوورسم تازه». و بدعت گذار، یعنی «آورنده رسم و آیین تازه» (دهخدا، ذیل واژه بدعت). در اصطلاح، بدعت، عبارت است از امری که در دین حادث شده و ریشه‌ای در کتاب و سنت نداشته باشد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۲۹۹). راغب می‌نویسد:

بدعت در مذهب، یعنی وارد کردن سخنی که گوینده و عمل کننده‌اش بر روش و سیره صاحب شریعت، و مستند بر اصول متقن نباشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۱۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد بدعت گذاران در دین می‌فرماید:

هرگاه پس از من اهل شک و بدعت را دیدید، بیزاری خود را از آن‌ها آشکار کنید، و به آن‌ها بسیار دشنام دهید، و درباره آن‌ها زیاد بدگویی کنید، و عیوب‌شان را زیاد بگویید، و به آن‌ها تهمت بزنید (یا آن‌ها را مبهوت سازید) تا به فساد در اسلام طمع نکنند و مردم را از آن‌ها بر حذر دارید و از بدعت‌های آنان (چیزی) نیاموزند. خداوند در برابر این کارهای‌تان برای شما حسنات می‌نویسد و درجات شما را در آخرت بالا خواهد برد. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۷۵)

امام حسین علیه السلام با شهادت خود، سبب رسوایی و در نتیجه نابودی دولت بدعت‌گذار بنی امیه شد و هرگز در مقابل زیاده‌خواهی یزید کوتاه نیامد، و فرمود:

﴿لَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَأَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ﴾؛ (ابن شعبه حرانی،

۱۴۰۴: ۲۴۵)

آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل نهی نمی شود؟

در دوران امامت سالار شهیدان علیه السلام، بسیاری از تعالیم نبوی، به فراموشی رفت و امام حسین علیه السلام، ناگزیر برای احیای دین جدش و مبارزه با بدعت ها قیام نمود، زیرا یزید، آشکارا دست به فساد آلوده بود و جامعه اسلامی را دچار انحطاط و خود را خلیفه مسلمین و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می دانست، و چنین شخصی قطعاً اگر بر مردم حکومت می کرد، تمام ارزش های اسلامی از بین می رفت.

یکی از مهم ترین بدعت های معاویه، تبدیل خلافت اسلامی به سلطنت، قتل عام مسلمین و محبتان امام علی علیه السلام، مصادره ظالمانه اموال مردم، رشد سرمایه داری فرعونی در جامعه، خواندن نماز جمعه در روز چهارشنبه و غیره نام برد، که سالار شهیدان علیه السلام برای بی اعتبار ساختن اسلام دروغین اموی و احیای اسلام ناب، دست به قیام زد تا با این بدعت ها مبارزه و آن ها را نابود نماید (داودی، ۱۳۸۷: ۲۰۰-۲۰۵). امام حسین علیه السلام در نامه ای که به جمعی از بزرگان بصره نوشت، هدف از قیام برضد حکومت فاسد یزید را، احیای سنت جدش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و مبارزه با بدعت ها معرفی می کند و می فرماید:

من شما را به کتاب خدا و سیره پیامبر خدا فرا می خوانم، چرا که در جامعه شما سنت نبوی از بین رفته و بدعت و فریبکاری جایگزین آن شده است، اگر سخنانم را بشنوید و فرمانم را اطاعت کنید، شما را به راه راست هدایت می کنم. (ابومخنف کوفی، ۱۴۱۷: ۱۰۷؛ نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴: ۲۰۱)

امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی قائم ما قیام کرد مردم را از نوبه سوی اسلام دعوت می نماید و به سوی چیزی که کهنه شده و عموم مردم از آن دور افتاده اند، هدایت می کند. آن جناب، «مهدی» نامیده شده، چون به چیزی که مردم از آن دور شده اند هدایت می شود و «قائم» نامیده شده چون برای به پا داشتن حق قیام می کند. (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۸۳)

امام مهدی علیه السلام، همان کاری را که رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داد، انجام می دهد. بدعت های موجود را بی اعتبار خواهد ساخت، چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله، اساس جاهلیت را منهدم نمود، آن گاه اسلام را از نو بنا می کند. (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷، ص ۲۳۱؛ رک: قمی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۸۷؛ مازندارانی، ۱۳۸۲، ج ۱۲: ۳۸۴)

ز عدم بیعت با طاغوت

بیعت از واژه «بیع»، به معنای پیمان بستن می باشد (بستانی، ۱۳۷۵: ۱۷۵). «ابن منظور»، در خصوص معنای بیعت می گوید:

دست در دست دیگری گذاشتن، به نشانه فروختن چیزی یا پیمان بستن و اطاعت از او می باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸: ۲۶)

در قرآن نیز به واژه «بیعت» اشاره شده است:

در حقیقت کسانی که با تو بیعت می کنند جز این نیست که با خدا بیعت می کنند. دست خدا، بالای دست های آنان است، پس هر که پیمان شکنی کند تنها به زیان خود پیمان می شکند و هر که بر آن چه با خدا عهد بسته وفادار بماند، به زودی خدا پاداشی بزرگ به او می بخشد. (فتح/ ۱۰)

مهم ترین درسی که از واقعه کربلا می توان گرفت، بیعت نکردن با حکومت فاسد و زیر بار ظلم و ستم آن نرفتن است. امام علیه السلام با نهضت عاشورا، به همه انسان ها درس آزادگی و شجاعت آموخت، که به هیچ وجه نباید تسلیم طاغوت ها و حاکمان فاسد شد، بلکه باید با آن ها مبارزه کرد، حتی اگر به قیمت جان مان تمام شود.

زمانی که معاویه از دنیا رفت و یزید جانشین وی شد، به حاکم مدینه دستور داد تا از امام حسین علیه السلام بیعت بگیرد. ولید شخصی را نزد امام علیه السلام فرستاد تا او را برای بیعت بخواند. عبیدالله بن زبیر که همراه امام علیه السلام بود از ایشان پرسید: اکنون که برای بیعت دعوت شده ای چه خواهی کرد؟ امام حسین علیه السلام فرمود:

يَزِيدُ رَجُلٌ فَاسِقٌ شَارِبُ الخُمْرِ قَاتِلُ النَّفْسِ المَحْرَمَةِ مُعَلِنٌ بِالْفِسْقِ وَمِثْلِي لَا يَبَايِعُ
مِثْلِهِ؛ (ابومخنف کوفی، ۱۴۱۷: ۸۱)

یزید مردی فاسق، فاجر، دارای فسق علنی، خورنده شراب، و قاتل نفس محرمه است. پس کسی چون من با شخصی مثل یزید بیعت نمی‌کند.

هنگامی که ابن عباس نزد امام علیه السلام آمد و قصد داشت امام علیه السلام را به بیعت با یزید ترغیب نماید، امام علیه السلام در جواب ایشان فرمود:

هیئات، هیئات! ای ابن عباس! اینان دست از من برنخواهند داشت و هر جا باشم به من دست خواهند یافت، تا به اجبار بیعت کرده یا مرا به قتل برسانند. به خدا سوگند! آنان همانند یهود که در روز شنبه پیمان خدا را شکستند و ستم کردند، به من ستم خواهند کرد. من به همان راهی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرا بدان مأمور ساخته است، خواهم رفت. ما از آن خداییم و به سوی خدا باز می‌گردیم. (بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۴۸۵)

سید الشهداء علیه السلام در نزدیکی کربلا به یارانش فرمود:

ای عصرها و نسل‌ها! به هوش! که این فرومایه و فرزند فرومایه، مرا میان دوراه مخیر کرده است: یا ذلت‌پذیری و تسلیم خفت بار در برابر بیدادگران؛ یا مرگ پرافتخار و با عزت! و چقدر دور است از ما که ذلت و خواری را برگزینیم. خدا و پیامبر او و ایمان‌آوردگان و دامان‌های پاک و ریشه‌های پاکیزه و مغزهای روشن‌اندیش و غیرتمند و جان‌های ستم‌ستیز و با شرافت نمی‌پذیرند که ما فرمانبرداری فرومایگان و استبدادگران پست و رذالت‌پیشه را بر شهادتگاه رادمردان و آزادمنشان مقدم بداریم. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۵۸)

امام مهدی علیه السلام همانند جدش امام حسین علیه السلام، به هیچ وجه زیر بار بیعت با حاکمان و زمامداران ظالم نخواهد رفت و آن‌ها را به کیفر اعمال‌شان خواهد رساند. امیرالمومنین علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید:

فردایی که شما را از آن هیچ شناختی نیست، زمامداری حکومت می‌کند که غیر از حاکمان امروزی است، او حضرت مهدی علیه السلام است که عمال و کارگزاران حکومت‌ها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد کرد. (سید الرضی، ۱۴۱۴: ۱۹۶)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

يُبْعَثُ الْقَائِمُ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِأَحَدٍ؛ (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۱۶)

وقتی امام عصر علیه السلام قیام نماید بیعت هیچ کس برگردنش نیست.

طبق روایت فوق حضرت مهدی علیه السلام زمانی که ظهور می نماید که بیعت هیچ حکومت جائری بر او نباشد. امام زمان علیه السلام در فلسفه غیبت شان می فرمایند:

اما در خصوص علت غیبت، هریک از پدران من بیعتی از طاغوت های زمان به گردن داشتند، قطعاً من ظهور خواهم کرد هنگامی که بیعت احدی از طاغوت ها برگردنم نباشد. (قطب الدین راوندی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۱۱۵)

ح) انتقام از کشدگان امام حسین علیه السلام و مستکبران عالم

حضرت مهدی علیه السلام، یگانه منتقم خون جدش سید الشهداء علیه السلام است. در دعای ندبه، حضرت مهدی علیه السلام به عنوان منتقم خون حسین علیه السلام معرفی شده است:

کجاست طالب خون حسین علیه السلام که در کربلا کشته شد؟ کجاست آن که بر متجاوزان و مفتریان بر او، یاری شده است. (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۵۷۹)

امام مهدی علیه السلام به عنوان یگانه منجی عالم بشریت و منتقم شناخته شده است. او تنها کسی است که کاخ های استبداد را ویران، و از جفاکاران و قاتلان مظلومان و اولیای الهی انتقام خواهد گرفت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی که به معراج رفتند در آن شب، خداوند چهره نورانی حضرت مهدی علیه السلام را به پیامبرش نشان داد و فرمود:

يَا مُحَمَّدُ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي إِنَّهُ الْحُجَّةُ الْوَاجِبَةُ لِأَوْلِيَائِي وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي؛ (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۴۸)

ای محمد، به عزت و جلالم سوگند که او حجت خدا بر دوستان من، و منتقم دشمنان من است.

همچنین فرمود:

وَهَذَا الْقَائِمُ الَّذِي يُحَلِّلُ حَلَالِي وَيُحَرِّمُ حَرَامِي وَبِهِ أَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي؛ (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۵۳)



این «قائم» همان است که حلال مرا حلال و حرام مرا حرام می‌کند، من به وسیله او از دشمنانم انتقام می‌گیرم.

این موضوع در سخنان ملائکه با خداوند متعال بعد از شهادت سید الشهداء علیه السلام آمده است. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

وقتی امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، ملائکه با گریه‌های بلند به درگاه خداوند، ضجه کردند و گفتند: این حسین، برگزیده شما و پسر پیامبر شماست. خداوند سایه حضرت مهدی علیه السلام را به ملائکه نشان داد و فرمود: با این (قائم) انتقام حسین علیه السلام را می‌گیرم. (کلینی، ۱۴۰۷، ج: ۱، ۴۶۵؛ ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۳، ج: ۱، ۶۴)

در زیارت عاشورا نیز از امام مهدی علیه السلام به عنوان خونخواه امام حسین علیه السلام یاد شده است و ایشان را به عنوان ثارالله (خون خدا، یا خون خواه خدا) معرفی نموده است:

خداوند مرا روزی کند که در خدمت حضرت مهدی علیه السلام و حق ناطق، که از شما خاندان ظهور خواهد کرد، خون شما را مطالبه نمایم. (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۷۷)

در روایات آمده است که شعار سپاه حضرت مهدی علیه السلام «یا لثارات الحسین» است و ایشان انتقام جدش حسین علیه السلام را از قاتلان آن‌ها خواهد گرفت. امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

قائم ما علیه السلام قیام کند و یاری اش کنند و شعار یاران او اصحاب و انصار و سپاه حضرت حجت) «ای خون خواهان حسین» است. (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱۳۰)

نتیجه‌گیری

۱. امام حسین علیه السلام تمام سرمایه وجودی خود را در راه اسلام ایثار کرد تا اسلام ناب بماند. اگر فداکاری، ایثار، شجاعت، و جانفشانی سالار شهیدان علیه السلام در راه خدا نبود تاکنون هیچ نامی از دین مبین اسلام باقی نمی‌ماند. حضرت مهدی علیه السلام نیز برای پاسداشت ایثارگری‌های جد بزرگوارش، و احیای اسلام و ارزش‌های اسلامی و حسینی قیام خواهد فرمود.

۲. سیره حضرت مهدی علیه السلام، همان سیره امام حسین علیه السلام است. برای شناخت انتظار و مهدویت، نخست باید امام حسین علیه السلام را شناخت و با آرمان‌های او آشنا شد.

۳. توأمانی ذکر امام مهدی علیه السلام با یاد امام حسین علیه السلام، بیانگر آرمان‌ها، اهداف مشترک، انتقام خون مظلوم کربلا، سیره یکسان آن‌ها در مبارزه با مستکبران، مبارزه با بدعت‌ها، عدم ذلت‌پذیری و بیعت نکردن با طاغوت است.
۴. هدف منجی موعود از تأکید بر یاد جد مظلومش علیه السلام، این است که شیعیان به تأسی از او، امر به معروف و نهی از منکر نمایند و در برپایی عدالت اجتماعی در جامعه از هیچ کوششی فروگذار نکنند.
۵. اگر امام حسین علیه السلام با شهادت خود، بت‌زمانش را ملعون ابدی ساخت، مهدی موعود علیه السلام نیز از این آرمان الهی دفاع می‌کند و تمام مستکبران عالم را نابود خواهد ساخت.
۶. اهداف امام حسین علیه السلام از قیام عاشورا، عدالت‌خواهی و مبارزه با ظلم و ستم و امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح امور امت بود، ولی بخاطر خیانت مردم و جبهه نفاق، این اهداف به فرجام نرسید، اما حضرت مهدی علیه السلام از طرف خداوند به عنوان منتقم خون حسین بن علی علیه السلام و شهدای کربلا و همه مظلومان عالم، با قیام خود، اهداف ناتمام جدش را به اتمام خواهد رساند، و عدالت‌اجراء و سنت نبوی احیاء خواهد شد.



منابع

- قرآن کریم.
- ابن بابویه صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳). *من لایحضره الفقیه*. چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه صدوق، محمد بن علی. (۱۳۷۶). *الامالی*. چ ششم، تهران: انتشارات کتابچی.
- ابن بابویه، علی بن حسین. (۱۴۰۴). *الإمامة والتبصرة من الحيرة*، چ اول. قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام.
- ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷). *الغیبه للنعمانی*. چ اول. تهران: نشر صدوق.
- ابن بابویه صدوق، محمد بن علی. (۱۳۸۵). *علل الشرایع*. چ اول. قم: داوری.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی. (۱۴۰۹). *شرح الاخبار فی فضائل الائمه الأطهار عليهم السلام*. قم: جامعه مدرسین.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۸۱). *تحف العقول*. مترجم: جعفری، چ اول. تهران: دارالکتاب.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴). *تحف العقول*. چ دوم. قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۵). *کمال الدین وتمام النعمه*. چ اول. تهران: انتشارات الاسلامیه.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹). *مناقب آل ابی طالب عليهم السلام*. چ اول. قم: انتشارات علامه.
- ابن طاوس، علی بن موسی. (۱۳۷۴). *الطرائف*. مترجم: الهامی. چ دوم. قم: انتشارات نوید اسلام.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر. (۱۴۱۹). *المزار الکبیر*، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). *لسان العرب*. چ سوم. بیروت: دارالفکر للبطاعه و النشر والتوزیع.

- ابن نما حلی، جعفر بن محمد. (۱۴۰۶). درسوگ امیر آزادی (مشیر الاحزان). مترجم: کرمی ع. چ اول. قم: حاذق.
- ابومخنف کوفی، لوط بن یحیی. (۱۴۱۷). وقعة الطف. چ سوم. قم: جامعه مدرسین.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۲). کشف الغمه. مترجم: زواره ای ع. چ سوم. تهران: انتشارات الاسلامیه.
- بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۳). مدینه معجز الأئمة الإثنی عشر. چ اول. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- بستانی، فواد افرام. (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی. چ دوم. تهران: انتشارات اسلامی.
- پورسید آقایی، سید مسعود. (۱۳۸۲). عاشورا وانتظار. چ اول. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام.
- تونه ای، مجتبی. (۱۳۸۳). فرهنگ الفبایی مهدویت پیرامون حضرت مهدی علیه السلام. چ اول. قم: انتشارات مشهور.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۶). فرات تا فرات. چ اول. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
- خزاز رازی، علی بن محمد. (۱۴۰۱). کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر. قم: انتشارات بیدار.
- خمینی، سید روح اله. (۱۳۶۹). صحیفه نور. چ اول. تهران: انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- داودی، سعید. (۱۳۸۷). عاشورا، ریشه ها، انگیزها، رویدادها. پیامدها. قم: انتشارات علی ابن ابی طالب علیه السلام.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۹). لغت نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). مفردات الفاظ قرآن. چ اول. بیروت: دارالقلم، الدارالشامیه.
- سلیمانیان، خدامراد. (۱۳۸۸). فرهنگنامه مهدویت. تهران: بنیاد فرهنگی مهدی موعود، مرکز تخصصی مهدویت.

- سيد الرضى، محمد بن حسين (۱۳۷۸). نهج البلاغه. مترجم: شهيدى ج. تهران: انتشارات علمى و فرهنگى.
- طبرسى، احمد بن على (۱۳۷۱). الاحتجاج على اهل اللجاج. مترجم: غفازى ا. تهران: انتشارات مرتضوى.
- طبرسى، احمد بن على (۱۴۰۳). الاحتجاج على اللجاج. چ اول. مشهد: انتشارات مرتضى.
- طريحي، فخرالدين (۱۳۷۵). مجمع البحرين. چ سوم. تهران: مرتضوى.
- طوسى، محمد بن الحسن (۱۴۱۱). الغيبة (لطوسى). چ اول. قم: دارالمعارف الاسلاميه.
- طوسى، محمد بن الحسن (۱۴۰۷). تهذيب الاحكام. چ چهارم. تهران: دارالكتب الاسلاميه.
- فولادوند محمد مهدى (۱۴۱۵). ترجمه قرآن (فولادوند). چ اول. تهران: دارالقرآن الكريم
- قطب الدين راوندى، سعيد بن هبة الله (۱۴۰۹). الخرائج والجرائح. چ اول. قم: مؤسسه امام مهدى عليه السلام.
- قمى، على بن ابراهيم (۱۴۰۴). تفسير القمى. چ سوم. قم: دارالكتاب.
- كلينى، محمد بن يعقوب (۱۴۰۷). الكافى. چ اول. تهران: دارالكتاب الاسلاميه.
- كلينى، محمد بن يعقوب (۱۳۸۱). بهشت كافى (ترجمه روضه كافى). مترجم: آژيرم ح. قم: انتشارات سرو.
- كوفى، فرات ابن ابراهيم (۱۴۱۰). تفسير فرات الكوفى. تهران: مؤسسه الطبع والنشر فى وزارة الارشاد الاسلامى.
- معين، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ معين. تهران: انتشارات ادنا.
- مجلسى، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بيروت: دارالاحياء التراث العربى.
- مفيد، محمد بن على (۱۴۱۳). الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد. چ اول. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- مفيد، محمد بن محمد (بى تا). الارشاد للمفيد. مترجم: رسولى محلاتى س ۵. چ دوم. تهران: انتشارات اسلاميه.

- مكارم شيرازى، ناصر. (۱۳۸۸). تفسير نمونه. چ ۲۶. قم: دارالكتب الاسلاميه.
- مكارم شيرازى، ناصر. (۱۳۷۳). ترجمه قرآن (مكارم). چ دوم. قم: دارالقرآن الكريم
- نصر بن مزاحم، ابوالفضل. (۱۴۰۴). وقعه الصفين. چ دوم. قم: مكتبه آيه الله المرعشى النجفى.

